



زبان و ادبیات فارسی

آرایه‌های ادبی : سجع

سجاد فیاض

سجع

در لغت به معنا آواز کبوتر

واژگانی که در پایان دو جمله الی بیش تر می آیند که در وزن یا حروف آخر یا هر دو مشترک هستند.

انواع سجع :

مطرف : که در آخر یا حروف آخر مشترک اند ولی هم وزن نیستند. تاب ، کتاب

متوازن : هم وزن هستند ولی در حرف یا حروف آخر مشترک نیستند. عقل ، چرخ

متوازی : هم هم وزن هم در حروف آخر مشترک اند. کمال ، جمال

* همه کس را عقل به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

* ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع است.
توانگری به هنر است نه به مال ، و بزرگی به عقل است نه به سال.

* بزرگان گفته‌اند : دولت، نه به کوشیدن است ؛ چاره کم جوشیدن است.

* الهی به شناخت تو زندگانیم ، به نام تو آبادانیم ، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم.

* سرّ عشق نهفتنی است ، نه پیمودنی و بساط مهر پیمودنی است به نمودنی.

* تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج راحتو

* جوانمرد که بخورد بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.

* محبت را غایت نیست از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.

نرس

تذکر : ما در شعر سجع نداریم.

استاناد!!!!!! یعنی کتاب اشتباه کرده؟؟؟

بله. ولی بیا تا بهت توضیح بدم.

من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

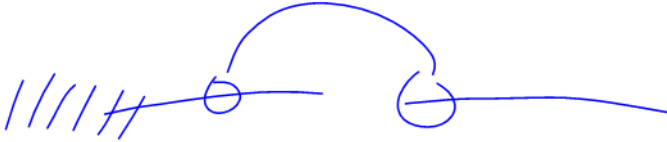
* در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود

* من مانده ام مهجور از او دیوانه و رنجور از او

باز چو کشتی شکست نوبت وصل لقا است

* آمده موج الست کشتی قالب ببست



توضیح :

۱. نوع سجع‌های موجود در متن زیر، به ترتیب کدام است؟
 «یکی را دل از دست رفته بود و ترک جان کرده و مطمح نظرش جای خطرناک و مظنة هلاک. نه لقمه‌ای که مصور شدی که به کام آید یا مرغی که به دام افتد. باری به نصیحتش گفتند: از این خیال محال نجنب کن که خلقی هم بدین هوس که تو داری اسیرند و پای در زنجیر.»

۲. متوازی - مطرف - متوازی - مطرف

۱. متوازی - مطرف - مطرف - متوازی

۴. متوازن - متوازی - متوازی - متوازن

۳. متوازن - مطرف - مطرف - متوازی

۲. در عبارت «فی الجمله زبان از مکالمه او در کشیدن قوت نداشتیم و روی از محادثه او گردانیدن مروّت ندانستم که یار موافق بود و ارادت صادق.» واژه‌های «سجع» کدام است؟

۲. مکالمه، محادثه / در کشیدن، گردانیدن

۱. در کشیدن، گردانیدن / قوت، مروّت

۴. قوت، مروّت / موافق، صادق

۳. نداشتیم، ندانستم / موافق، صادق

۳. در هر یک از جملات زیر، به ترتیب چه نوع سجعی به کار رفته است؟

(الف) در کتب اخبار و سیر مذکور و مضبوط است و رسایل ارباب فضایل شاهد و مشهود

(ب) همه به غفلت خفته ایم و به حیرت اشفته.

(پ) مهجور مشتاق را حالتی پدید آمد که جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت.

(ت) همه را چشم به درگاه تو باز است و دست نیاز به رحمت تو دراز. **است**

~~۲) متوازن - مطرف - موارى - مطرف~~

۱) متوازی - مطرف - متوازن - مطرف

~~۴) متوازن - مطرف - مطرف - متوازی~~

۳) متوازی - متوازن - مطرف - مطرف

۴. ترتیب توالی ابیات به لحاظ دارا بودن آرایه‌های «واج‌آرایی - ترصیع - تکرار - سجع» به کدام شکل صحیح است؟

(الف) شکرشکن است یا سخن‌گوی من است!؟

عنبرذقن است یا سمن‌بوی من است!؟

(ب) ای صاحب کرامت! شکرانه سلامت

روزی تفقدی کن درویش بی‌نوا را

(پ) بر مزارم گر گذار آرد ز سر گیرم حیات

یا رب! آن عیسی‌نفس‌گر بر مزارم بگذرد

(ت) گو به سلام من آی با همه تندى و جور

وز من بیدل‌ستان جان به جواب سلام

۱) الف - ت - ب - پ

۳) الف - ت - پ - ب

۴) پ - الف - ت - ب

محو آری
است
معارف
گذر است
معارف

۵. آرایه‌های مقابل تمام ابیات به جز بیت درست است.

- | | |
|--|--|
| (۱) عشق اندر فضل و علم و دفتر و اوراق نیست | هرچه گفت گوی خلق، آن ره ره عشاق نیست (اشتقاق - تکرار) |
| (۲) چشمم ز دوری تو دور از تو خون فشاند | دور فلک مبادا کاین شربتت چشاند (جناس همسان - جناس ناهمسان) |
| (۳) رندان سلامت می‌کنند جان را غلامت می‌کنند | مستی ز جامت می‌کنند مستان سلامت می‌کنند (تکرار - سجع) |
| (۴) دست بردار ز سوداگری و بوالهوسی | دست عشاق سوی دوست دراز است هنوز (واج آرایی - جناس) |

۶. در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- | |
|---|
| (۱) این جا قبول حیرت است بلکه هنگام رشک و غیرت. |
| (۲) جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت گذاشت. |
| (۳) سایه‌ی خود را در کوی یار، رخصت بار نتوان داد. |
| (۴) یک دم که از عمر خود شمارم نفسی به کام دل برآرم. |

دو حد
آخر
مثلاً
قرینه لفظی

سجع
سجع
سجع
سجع

۷. در جمله‌های اول و دوم همه گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- (۱) تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت.
- (۲) خواستم تا مرافقت کنم، موافقت نکردند.
- (۳) از آن تاریخ ترک صحبت گفتیم و طریق عزلت گرفتیم.
- (۴) گمان فضولش نبردند و به یاری قبولش کردند.

۸. در همهی گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- (۱) از اندوه بروی نیایید که آماج تیر بلائید.
- (۲) با آنان بستیزید که رستگاریتان در آن است.
- (۳) چه جای ملامت است که در دیده‌ی من شایسته کرامت است.
- (۴) جرعه‌ی اندوه به کامم می‌ریزند و کار را به هم درآمیزند.

۹. در همهی گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «ترصیع» به کار رفته است.

- | | |
|------------------------------|-----|
| نه گردن‌کشان را بگیرد به غور | (۱) |
| لعنه الله این عمل را در قفا | (۲) |
| قدرت کردگار می‌بینم | (۳) |
| پرورش آموز درون پروران | (۴) |

- نه عذرآوران را براند به جور
 رحمه الله آن عمل را در وفا
 حالت روزگار می‌بینم
 روز برآرنده‌ی روزی خوران

۱۰. در کدام گزینه صنعت لفظی «سجع» به کار نرفته است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) اندک‌اندک خیلی شود و قطره‌قطره سیلی شود | (۲) این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع است |
| (۳) چون به نفس خود هنری ندارد، با خاک برابر است. | (۴) قیمت شکر نه از نی است که آن خاصیت وی است. |

۱۱- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی آرایه‌ی «سجع» وجود دارد.

۱) از گل بستان بقیتی مانده بود که کتاب گلستان تمام شد. (۱) بقیت عمر معتکف نشیند / خاموشی / گزیند.

۲) خلاف راه صواب است و نقض رأی اولوالالباب. (۲) ذوالفقار علی در نیام / زبان سعدی در کام.

۱۲- در عبارت «به حکم ضرورت سخن گفتیم و تفرج کنان بیرون رفتیم» در فصل ربیعی که صولت برد آرمیده بود، اوان

دولت ورد، رسیده» کلمه «سجع» کدامند؟

۱) سخن و بیرون / صولت و دولت

۲) صولت و ضرورت / آرمیده و رسیده

۳) گفتیم و رفتیم / آرمیده و رسیده

۴) گفتیم و رفتیم / بود و رسیده

۱۳. با توجه به عبارت زیر، دو کلمه هر گزینه به جز گزینه‌ی دارای آرایه‌ی «سجع» است.

«فلان عزم کرده است و نیت جزم که بقیت عمر معتکف نشیند و خاموشی گزیند. تو نیز اگر توانی سر خویش کبر و راه مجانبت پیش».

گزینه‌ی درست

۴) پیش - خویش

۳) نشیند - گزیند

۲) توانی - خاموشی

۱) عزم - جزم

۱۴. در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «سجع» مشهود است.

۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمیرد.

۲) نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.

۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.

۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت پادشاهی فرآورد و دیگری را در شکم ماهی، نکو دارد.

۱۵. ترتیب توالی ابیات به لحاظ دارا بودن آرایه‌های «واج‌آرایی - ترصیع - تکرار - سجع» به کدام شکل صحیح است؟

عبرذقن است یا سمن‌بوی من است؟!

(الف) شکرشکن است یا سخن‌گوی من است؟!

روزی تفقدی کن درویش بی‌نوا را

(ب) ای صاحب کرامت! شکرانه سلامت

یا رب! آن عیسی‌نفس‌گر بر مزارم بگذرد

(پ) بر مزارم گر گذار آرد ز سر‌گیرم حیات

وز من بیدل‌ستان جان به جواب سلام

(ت) گو به سلام من آی با همه تندى و جور

(۱) الف - ت - ب - پ (۲) پ - ب - الف - ت (۳) الف - ت - پ - ب (۴) پ - الف - ت - ب

۱۶. در کدام بیت هر سه آرایه‌ی به‌کار رفته در بیت «شور فرهاد کجا کم شود از پاسخ تلخ / رو تَرش کردن شیرین به

شکر می‌ماند» ذکر شده است؟

(۱) حسن تعلیل - ایهام - سجع

(۲) کنایه - تشبیه - تلمیح

(۴) تضاد - استعاره - متناقض‌نما

(۳) استعاره - تلمیح - جناس